

## دگرکونی روح حاکم بر پلیس هلند:

# واکنش به تقاضاهای نوین امنیتی و ارتباط با آداب و سنن هلند<sup>۱</sup>

دیلیپ داس\*، لیئو هوبرتس، رونالد وان استدن\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۲۵

ترجمه: غلام چاپلیان

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۹/۲۱

### چکیده:

هدف: هدف این مقاله پرداختن به سازمان متغیر و فرهنگ پلیس هلند در ده سال گذشته است. طراحی / روش شناسی / رویکرد: بر اساس دیده‌های شخصی، پژوهش‌های بخشی و نظر سنجی از افسران پلیس و مدیران نخبه در هلند، تحولات ناموزون با آداب و سنن هلند به ژرف توصیف، تجزیه و تحلیل و بررسی می‌گردد. یافته‌ها: از دهه ۱۹۶۰ تاکنون، هلند به خاطر سبک دوستانه، غیر متمرکز و عمل‌گرای پلیس جامعه محورش مشهور است. شعار «پلیس بهترین دوست شماست» خلاصه‌ای از گوهر و روح حاکم بر پلیس هلند است. به هر حال سبک پلیس جامعه محور، دوستانه و شکیبیا به تدریج با انتقاداتی روبرو گردید. سیستم ادارات نسبتاً مستقل پلیس منطقه با انتقادات بسیار شدیدی روبرو شدند زیرا اثربخشی و کارایی در حل چالش‌های امنیتی، ایمنی و جنایی نداشتند. دولت ملی اکنون خواستار اختیار بیشتر در تدوین اولویت‌ها و برنامه‌های پلیس است. به هر حال همان‌طور که افسران نخبه دولت تصریح کرده‌اند پلیس باید با اقدامات وحشت افکنانه و جنایی با شدت بیشتری برخورد نماید. این نگرش به تمرکز و کیفری شدن و در سطح محلی به واگذاری مسئولیت منجر شده است که نشان می‌دهد چند بنگاه و شرکت خصوصی مسئولیت تأمین امنیت را بر عهده گرفته‌اند. این تغییرات به الگوی پلیس دولتی منتهی می‌شود که از شهروندان فاصله گرفته است، تحولی که با روح اجتماعی پلیس هلند در تضاد است. اصالت / ارزش: این مقاله تجزیه و تحلیلی از روح متغیر پلیس هلند را ارائه می‌نماید.

### کلید واژه‌ها:

پلیس جامعه محور، ضابطین قضایی، هلند.

1. Policing: An International Journal of Police Strategies & Management, Vol. 30 No. 3, 2007, pp. 518-532

\*. عضو سمپوزیوم اجرایی پلیس بین الملل گیلدرلاند، نیویورک Dilip Das(dilipkd@aol.com)

\*\* اعضاء بخش علوم سازمانی و مدیریت عمومی دانشگاه ویرجی آمستردام هلند Leo Huberts and Ronald van Steden

## مقدمه

هدف این مقاله درک کامل روح حاکم بر پلیس هلند در ارتباط با فشارهای ناشی از انتظارات جدید در مسایل امنیتی است. روشی که در این مقاله استفاده شده است کاملاً غیرمتداول و ذهنی است. پژوهش در زمینه روح پلیس در هلند از دیده‌های دل‌پ دالاس نویسنده آمریکایی این مقاله اقتباس شده است. وی در اوایل دهه ۱۹۹۰ این پژوهش را انجام داد و همانند صاحب نظران دیگر تحت تأثیر شخصیت غیر متمرکز و دوستانه پلیس قرار گرفته بود. با استفاده از مطالعات موشکافانه «داس، لیئو هوبرتس و ران وان سدان» دو نویسنده بومی هلند یافته‌های وی را با جدیدترین یافته‌ها تکمیل کردند که ما آن را با مجموعه‌ی مختصری از ارزیابی وضعیت پلیس در آستانه دوران جدید ارائه می‌کنیم. نتایج پژوهش برای شفاف سازی و شناخت دیدگاه مقامات نخبه دولت یعنی شهرداران، رئیس پلیس‌ها، ریاست دادستانی‌ها (که مسئول سازماندهی و جهت‌گیری مجدد فعلی پلیس هستند) و بخش خصوصی در هلند ارائه می‌شود (Hubert's et al., 2004).

ماهیت و سازمان پلیس در هلند به سرعت در حال تغییر است. اعتماد عمومی به پلیس در حال کاهش است و به نارضایتی و بحران دامن می‌زند. سیاست مداران حکومت دست راستی در سال‌های اخیر خواستار تمرکز به اصطلاح سیستم پلیس منطقه‌ای ناکارآمد و بی‌کفایت شده‌اند. در تمام فرایندها اصلاحات جاری، دولت نیز تصدیق کرده است که بنگاه‌ها و مأموران غیر دولتی به ویژه تجارت پیشه‌گان در تأمین محیط امن و قابل زندگی فعالیت کنند، تصدیقی که به راهبرد واگذاری مسئولیت گارلاند ارتباط دارد. قلمروی گشوده خیابان، جاده و پارک بیش از پیش در کنترل نگهبانان خصوصی، نگهبانان محله و دوربین‌های مراقبتی است. در چنین شرایطی، همان طور که پاکس<sup>۱</sup> مطرح کرد، دادگاه کیفری هلند به معجون زشت و زیبایی راهبردهای مجازات و تأمین نظم دولتی و خصوصی کشانده شده است (Garland, 2001).

این گرایش‌ها چندان شگفت‌انگیز نیست، با توجه به این که خط و مشی قانون کیفری انگلستان و آمریکا خیلی پیش‌تر از تاکتیک‌های جزایی بر ضد جنایت استفاده می‌کردند که

---

1. Pakes, 2004

بتوانند نارضایتی و ترس امروز را مدیریت کنند اما، این همان موضوعی است که مورد توجه ماست، سازو کارهای دادگاه و پلیس هلند به طور سنتی عمل گرا، شکیبیا و کاملاً به هر چه که بوی نظامی گری دارد بی‌رغبت است (Wintle, 1996, p.194). جرم شناس انگلیسی دیوید داونز<sup>۱</sup> آن چه را که نظام انسانی و کیفی پس از جنگ نقلی می‌کرد و در هلند وجود داشت می‌ستود. اما آن چه وی خاطر نشان می‌کند گسترش جنایت و ترس در سراسر کشور است احتمالاً نقطه عطفی در روش برخورد هلند با خلاف کاران بوده است.

از این لحاظ دوانز، درست می‌گوید. اکنون رویکردهای مهار جنایت چنان سریع موفق می‌شوند که به نظر می‌آید هلند در جهت مخالف نقطه آرمانی و مطلوب پیشین حرکت می‌کند. کسانی که مخالف اتفاقاتی هستند که در راهبردهای کلی پلیس بوجود آمده است یا همان طور که برخی افراد دیگر ترجیح می‌دهند آن را حاکمیت امنیت بیان کنند، (Johnston & Shearing, 2003) نا امید شده‌اند که ماهیت یا روح حاکم بر پلیس هلند به ناگزیر و به طور برگشت ناپذیری در حال دگرگونی است.

در صفحات آینده موضوع افسران پلیس هلند بررسی می‌گردد، در این بررسی رویکردی آزاد اتخاذ شده است، و هر جا امکان‌پذیر است از محروم سازی اجتماعی و بد نامی خلاف کاران خودداری شده است و بیش‌تر هدفش انسجام و عادی سازی است (Wintle, 1996, pp, 181-182).

ابتدا نحوه‌ی کار روزانه افسران بررسی می‌گردد. برای درک بهتر کار آنان، به افسران با سبک‌های گوناگون مراجعه کردیم اما سبک غالب به آرام سازی عملی و خودداری از برخورد و عدم سرکوب و اجبار گرایش دارد یعنی تصویری است از همان ضرب المثل معروف که پلیس بهترین دوست شماست. این فلسفه پلیس اگر چه تغییر چشمگیری داشته است اما کاملاً با اجماع فرهنگی، برابری و هماهنگی نسبی هلند مطابقت دارد (Andeweg & Irwin, 2002) اما مفهومی آن نیست که پلیس کاملاً از رفتارهای بد و فساد مصون می‌باشد (Punch, 1985; Huberts & Naeye, 2005).

دوم این که در این مقاله سازمان و فعالیت‌های پلیس هلند در دهه گذشته مورد بررسی اجمالی می‌گیرد. توجه مقاله به ویژه به روند کند اما مطمئن تمرکز ساختارهای پراکنده است

1. David Downes, 1988

که امروزه شامل ۲۵ ساختار منطقه‌ای و دو واحد ویژه پلیس است که در سطح ملی فعالیت می‌کند. به علاوه بر این حقیقت تاکید می‌گردد که ویژگی سازمان پلیس هلند برخورداری از سیستم دوگانه اقتدار و کنترل است. شهردار و دادستان از مقامات محلی هستند که بر پلیس اقتدار دارند و هم چنین بیان شد که در سطح ملی، وزیر کشور و وزیر دادگستری از قدرت و اختیارات ویژه‌ای برخوردار هستند.

سوم این که، این مقاله تحولات جدید در منش پلیس هلند را مطرح می‌نماید. این تحولات بین پلیس تنبیه‌گر نامتعارف دولتی از یک طرف و مجموعه چند سازمان دولتی و خصوصی برای کنترل جنایت از طرف دیگر شکاف عمیق بوجود آورده است. در حالی که نظام کیفری غلبه دارد در همان زمان پلیس دیگر پاسدار و مسئول حفظ امنیت شناخته نمی‌شود (Punch et al., 2002, p.69). گفتمان جدیدی از امنیت و پلیس ظهور یافته است. نهادهای دولتی، اقدامات مدنی و مؤسسات کاملاً تجاری در خانواده گسترده پلیس آمیخته شده‌اند (Johnson, 2003, p.185) و از فضاهای شهری پاسداری می‌کنند.

چهارم در این مقاله نشان داده شده است که تغییر به سمت تمرکز، تنبیه و واگذاری مسئولیت در بین سطوح عالی سیستم پلیس هلند به رسمیت شناخته شده است. دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و انتظارات آنان تا حدی با یکدیگر در تضاد است اما به طور کل نشان می‌دهد که سه گرایش بالا دارای پیامدهای گریز ناپذیری برای روح اجتماعی پلیس هلند است. به نظر می‌رسد هلند در حال تبدیل شدن به کشوری است که دیگر شایسته لقب تحمل‌پذیری نمی‌باشد. در حقیقت حالت عدالت جزایی به ضرر الگوی جامعه و اجتماع محوری سال‌های گذشته در حال گسترش است (Pakes, 2005).

در پایان تلاش می‌شود دلایل گسترش سریع و تقریباً غیر محسوس آن بیان گردد. احتمالاً پاسخ را باید در سیاست‌های ایمنی و عوام فریبانه‌ای جستجو کرد که بر محور ترس قرار دارند (Van Swaaningen, 2005, p.294) بدلیل افزایش چشمگیر میزان جنایت در دهه‌های گذشته و بدلیل احساس ناامنی و گسترش بی‌ثباتی در جامعه، مردم از حضور کم‌رنگ و عملکرد ضعیف افسران بسیار ناخشنود هستند زیرا بیشتر وقت خویش را به وظایف اداری سپری می‌کنند (کار دفتری) و کمتر به وظایف اصلی خویش که تأمین ایمنی و امنیت است توجه دارند. به علاوه تاکید سنتی بر جلوگیری (و نه سرکوب) به شدت مورد

تردید است. حضور بسیار ملایم پلیس به مشروعیت آنان آسیب می‌رساند. تأثیرات آن بر روح حاکم بر پلیس هلند در بخش پایانی مطرح خواهد شد.

### جامعه پیشرو

هلند کشور کوچکی به مساحت ۴۲۰۰۰ کیلومتر مربع است که حدود ۱۶ میلیون نفر جمعیت دارد و دارای اقتصادی شکوفا و از نظام دموکراتیک با ثباتی برخوردار است که بر پایه سیاست مداری چانه زنی و هم‌رایی قرار دارد. شکاف تا دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ویژگی این سیستم بود. این شکاف به تقسیمات مذهبی چهار لایه‌ای اشاره دارد که در این کشورهای کم‌ارتفاع به پروتستان، کاتولیک، سوسیال دموکرات و لیبرال بی‌طرف تقسیم شده‌اند. به علاوه مفهوم شکاف یا تجزیه به خط و مشی‌های مبتنی بر اجماع گروه‌ها در تمام سطوح اجتماعی اشاره دارد (Lijphart, 1968; blom, 2000). به لحاظ سیاسی به مفهوم نخبگان دولتی تندروی هستند که در ورای شکاف‌های موجود وجود دارند. برای برقراری نظم، پلیس باید به سازمان‌های کاملاً داخلی و در مناطق کم جمعیت به همکاری نیروهای ملی متکی باشد. به هر حال از دهه ۱۹۶۰ تاکنون که موج‌های آزادی و مهاجرت افزایش یافت، فرهنگ بدر سالار و آرام هلند تغییر چشمگیری یافته است. مطابقت بسیار زیاد به تجزیه منتهی شد که نه بر ارتباط عمودی بلکه بر ارتباط افقی بین شهروندان و مقامات محلی مانند پلیس تأکید دارد. به طور خلاصه این تحولات سنگ بنای جامعه نسبتاً صلح طلب است که فرهنگ، ثروت و قدرت به طور برابر توزیع شده است.

طبق گفته‌های پانچ و همکاران، هلند یکی از جوامع پیشرفته با دولت رفاه قدرتمندی است که دارای نگرشی روشن بینانه به موضوعات اجتماعی است و رویکردی ملایم به تنبیه و جنایت دارد. احترام متقابل، تحمل‌پذیری و خودداری از اقدامات سرکوب‌گرایانه از ارزش بسیار زیادی در هلند برخوردار است. این ارزش‌ها عناصر اجتماعی قدرتمندی هستند که از تحسین جهانی برخوردار است (Punch et al., 2002, p.75,64) و در فعالیت‌های ۳۰-۴۰ گذشته پلیس نهفته است که روح فعالیت‌های عمومی پلیس را شکل می‌دهند. نشانه آن گزارش سال ۱۹۷۷ با عنوان پلیس متغیر است که بر اهمیت سازمان پلیس حرفه‌ای با نقش اطاعت‌پذیر تأکید کرده است. فرض اولیه توجه به گرایش جامعه محوری، پذیرش بهتر آن در

جامعه و مشروعیت پلیس بود. اگر چه پلیس جامعه محور مفهومی نسبتاً گنگ است که بر سر مفهوم آن کشمکش وجود دارد، ارتباط نزدیک با مردم محلی و تقویت آن از طریق کنترل‌های غیر رسمی اجتماعی مورد تایید آن است (Ponsaers, 2001) که باید در خدمت پیوند مستحکم شهروندان و افسران پلیس باشند.

### پلیس عمل‌گرا

درک این موضوع دشوار است که واقعاً پلیس چه کار می‌کند و کار واقعی پلیس چیست (Bayley, 1994, p.5) همانند جاهای دیگر در جهان، افسران هلندی وظایف بی‌شماری را انجام می‌دهند (مانند گشت، کمک‌های فوری، صدور برگ جریمه، هدایت آمد و شد) در حالی که با افراد گوناگون و دشواری‌های ناگهانی روبرو می‌شوند که به برخوردهای گوناگون نیاز دارد. به دنبال چکیده روان بیتنر<sup>۱</sup>، شایستگی ویژه پلیس شامل برخورد با حوادثی است که عنصری دارد که نباید اتفاق بیافتد و کسی باید کاری در موردش انجام دهد. پلیس مأموران حرفه‌ای دولت در خیابان‌ها هستند (Lipsky, 1980; Reiner, 1997) که در برخورد و جمع‌بندی موقعیت‌های پیچیده بیش از مافوق‌های خود از آزادی عمل برخوردارند. چند سال پیش وان در توره<sup>۲</sup>، پژوهش فشرده‌ای بر مبنای مشاهده درباره کارهای روزانه پلیس در دو واحد اصلی نیروی پلیس روتردام که دومین شهر بزرگ هلند است انجام داد. در این پژوهش ادعا شده است که چهار کهن الگوی (نمونه اولیه)<sup>۳</sup> افسر پلیس قابل تشخیص است. این چهار کهن الگو شامل عمل‌گرا، بدگمان، حافظ نظم و مددکار اجتماعی می‌گردد. در ابتدا کهن الگوی عمل‌گرا رویکردی عملی و معقول در رویارویی با درگیری‌های روزانه در پیش می‌گیرد. وی مورد پذیرش افراد گوناگون است و از ارتباطاتش برای حل و فصل غیر رسمی مشکلات استفاده می‌کند. فلسفه وجودی‌اش یافتن راه‌حل‌های منطقی نه اجرای خشک و بی‌روح قانون است. کهن الگوی دوم بدگمانی است که نگرشی جبری دارد. این نوع افسر گمان می‌کند که جرم و جنایت پدیده معمول زندگی شهری است و تلاش‌های وی چندان کارساز نیست و اهمیت ندارد.

1. Bittner, 1990, p. 251

2. Van der torre, 1999

3. Archetypal Types

در نتیجه کهن الگوی بدگمانی نگرشی تسلیمی دارد و از رویارویی با مشکلات خودداری می‌کند و دارای ارتباطات اجتماعی اندکی است.

کهن الگوی سوم حافظ نظم است که تلاش می‌کند هر جا خلاف کاران را یافت آنان را دستگیر نماید. این نوع افسر دارای اعتقادات ریشه دار است و اعتقاد راسخی به اجرای عدالت خیابانی دارد.

کهن الگوی آخر مددکار اجتماعی است که خود را فردی مهربان و منطقی نشان می‌دهد که بیشتر وقتش را به کمک و یاری مردم سپری می‌کند. لذا برای وی سازمان پلیس در هر شرایطی ماندگار است و شدیداً به حفظ نظم پایبند است.

در هم سویی با آن چه جونز<sup>۱</sup> فرهنگ متمایل به سازش و تطبیق تصور کرده است تعجب ندارد که وان در توره نتیجه گرفته است که اکثر افسران پلیس هلند (۶۵ درصد) به افسرانی توصیف می‌شوند (اغلب خود نیز چنین نگرشی دارند) که دارای سبک عمل‌گرا هستند. برای خنثی سازی موقعیت‌های دارای توان ستیزه گری، از رویکردهای قانونی تا حد امکان خودداری می‌کنند. در عوض توان مداخله موفقیت آمیز افسران به شدت به میزان مهارت‌های ارتباطی و اقناعی آنان بستگی دارد.

یکی از راهبردهای تاکتیکی پلیس چشم پوشی از رفتارهای انحرافی بوده است. گرایش‌های سیاسی مثلاً در رویارویی با رستوران‌ها و شهر نو<sup>۲</sup> آسان‌گیری بوده است که در سطح بین‌المللی مشهور است (و همیشه به شدت مورد انتقاد بوده است). به علاوه ایمنی جامعه و جلوگیری از جنایت به تمام اقدامات و خط و مشی‌هایی اطلاق می‌گردد که می‌خواهد ایمنی عمومی را افزایش دهد و جهت‌گیری آن به بافت‌هایی است که جنایت در آن نمود عینی دارد و نه به مجازات خلاف کاران که از *(Van Swaaningen, 2002, p.261)* نگرانی‌های اصلی پلیس است و اولویت‌های پلیس نیز بر همان اساس تعیین شده است. افسران متعهد هستند که میزان جنایت را کاهش دهند و ایمنی را در چارچوب عدالت اجتماعی (به سلیقه شخصی) تقویت کنند.

1. Jones, 1995, p. 40

2. Prostitution

## ساختار پلیس

قابل توجه آن است که ساختار پلیس هلند به استثنای زمان اشغال توسط آلمان بین سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۴۰ در طی یک صد سال گذشته تغییر چندانی نکرده است (Jones, 1995, chapter 3). قانون شهرداری‌های مصوب سال ۱۸۵۱ تعداد ۱۴۸ نیروی شهرداری و یک نیروی ملی کاملاً مجزا برای حومه شهر تعیین کرد. اوایل ۱۸۱۴ پلیس ارتش سلطنتی تأسیس گردید که وظایف نظامی و وظایف پلیس را در سراسر کشور انجام می‌داد. تقریباً اندکی بعد نگرانی‌ها در باره ناکارآمدی نظام پلیس بوجود آمد اما با وجود این نگرانی‌ها هیچ تغییری در قرن بیستم اتفاق نیفتاد.

پلیس هلند ثابت کرد که بیش از حد سازمانی محافظه کار است. پس از مباحث پیوسته و طولانی، قانون ۱۹۹۳ پلیس در ماه آوریل ۱۹۹۴ به اجرا درآمد تا به بحران‌های شایع ناشی از پراکندگی و عدم تمرکز خدمات پلیس واکنش نشان دهد (Wintle, 1996).

در حال حاضر کشور به ۲۵ منطقه پلیسی و دو نیروی ملی تقسیم شده‌اند که در حدود ۵۰۰۰۰ افسر را به کار گرفته‌اند. حداکثر ۸۵ درصد این کارکنان به طور تمام وقت کار می‌کنند. ۱۸ درصد نیروی پلیس را زنان تشکیل می‌دهند (ministry of the interior 2000a, p.8). حجم هر یک از نیروهای منطقه‌ای از ۶۰۰ نفر تا ۶۵۰۰ نفر بر حسب تراکم جمعیت و سطح جرم‌خیزی منطقه در نوسان است. اکثر مناطق به چند حوزه تقسیم شده‌اند که آنان نیز به چند ناحیه پلیس تقسیم شده‌اند. این نواحی، مناطق کوچک را پوشش می‌دهند و به ارتباط قوی پلیس و شهروندان کمک می‌نمایند. به علاوه در کنار پلیس ارتش سلطنتی، سازمان پلیس هلند برای نظارت بر زیر ساخت‌های ملی (بزرگراه‌ها، راه آهن و آبراه‌ها)، پژوهش‌های جنایی کشوری، تأمین پشتیبانی کارشناسی به ۲۵ نیرو و پاسداری از کاخ سلطنتی ایجاد گردید. به طور خلاصه پلیس هلند از خدمات و فعالیت‌های ادارات پلیس منطقه‌ای فراتر رفته و فعالیت‌های مقامات پلیس در پژوهش‌های جنایی و حفظ نظم را هماهنگ می‌کند (Ministry of the interior, 2000a,b).

امروزه سیستم منطقه‌ای از جایگاه بینابینی برخوردار است. جایگاهی بین برخورداری از سازمان پلیس ملی به اضافه شاخه‌های محلی و نیروهای محلی با اختیارات فراوان در



چارچوب مقررات کشوری برخوردار است. به هر حال آن چه که هنوز حل نشده است مشکلات ناشی از دوگانگی نیروهای محلی و ملی و دوگانگی حاکمیت مشترک شهردار و دادستان بر پلیس است (Wintle, 1996). این دوگانگی هنوز در قوانین مشهود است و همان طور که در آینده بحث خواهد شد تاکنون به طرح مباحثی درباره مطلوبیت سیستم متمرکز پلیس منجر شده است.

### درخواست اصلاحات بیشتر

هیأت‌های منطقه‌ای به موسسه‌های مشکل آفرین در نظام اجرایی سیاسی هلند تبدیل شده است (Muller, 2002). اصل مسأله، مربوط به واگذاری مسئولیت اجرایی (مالی و نیروی انسانی) و اختیارات در مسایل پلیسی به چند نهاد و سازمان است. در سطح ملی، وزیر کشور برای تأمین مالی و موضوعات سازمانی مناطق پلیس مسئولیت دارد. از طرف دیگر وزیر دادگستری نیز دخالت دارد زیرا ضرورت مسئولیت دادستانی چنین ساختاری را طلب می‌کند. در اصل این سیستم برای صیانت از حاکمیت دموکراسی، قدرت را بین شاخه‌های گوناگون پلیس تقسیم کرده است.

مدیریت و نظارت پلیس به ۲۵ هیأت منطقه‌ای واگذار شده است که شامل شهرداران تمام شهرداری‌های حوزه نیرو می‌گردد. شهردار بزرگترین شهرداری هر حوزه نیرو، مدیریت ارشد هیأت منطقه‌ای را بر عهده دارد. وی به همراه رئیس شهربانی منطقه و دادستان کل، مثلث تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهند. آنان با تمام شهرداران منطقه در جلسه شرکت می‌کنند و خطومشی توزیع اعتبارات، نیروی انسانی، وسیله نقلیه و ساختمان را تدوین می‌کنند. پس از تصمیم‌گیری شهرداران، رئیس پلیس‌ها و دادستان‌ها آنان را در سطح شهرداری‌ها اجرا می‌کنند (Van stedn & Huberts, 2006).

هدف اصلی سازمان‌دهی مجدد سال ۱۹۹۳، تلفیق و ایجاد ارتباط نزدیک بین افسران پلیس، شهروندان و واحدهای یکپارچه در سطح منطقه‌ای برای مقابله با جرایم عمده و هماهنگی بهتر بین نهادهای گوناگون بوده است (Jones, 1995). به عبارت دیگر این سازمان‌دهی مجدد سازو کار پاسخگویی دموکراتیک را تضعیف می‌کرد زیرا اعضای منتخب

شهرداری‌ها نفوذ مستقیم خویش بر مسایل پلیسی را در هیأت‌های منطقه‌ای از دست می‌دادند. هنوز کنترل دموکراتیک و مستقیم بر پلیس در هلند وجود ندارد. مهم‌ترین عامل حکومت در نیروهای پلیس یعنی شهردار به جای انتخاب از طریق رأی مردم توسط دولت مرکزی منصوب می‌گردد (Jones, 1995).

از این گذشته آن چه در مورد قدرت بر خدمات پلیسی اهمیت دارد آن است که اگر چه قانون فقط تصمیم‌گیری درباره سازمان پلیس و اعتبار را در اختیار هیأت‌های منطقه‌ای قرار داده است، فعالیت‌های آنان نیز بر خط ومشی خدمات پلیسی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر حفظ جدایی بین اجرا و اختیار در عمل غیر ممکن است. ابهام در تعیین حدود مسئولیت‌ها به انباشت قدرت در هیأت‌های منطقه‌ای تصریح دارد در حالی که درباره نحوه نظارت درست بر این هیأت‌ها تقریباً سکوت کرده است (Van Steden & Huberts, 2006) از این رو به لحاظ پاسخگویی اداره پلیس هلند مبتلا به نقص در ساختار دموکراتیک بوده (Huberts, 1997)، در حالی که نیروهای پلیس در تعیین اولویت‌ها از اختیار بسیار زیادی برخوردار هستند.

در واکنش به این نقص، ائتلاف راست اقدام به تشکیل کمیسیون دولتی کرد که در باره بهینه سازی اثربخشی، کارآیی، انعطاف‌پذیری و شفافیت سیستم فعلی پلیس مشاوره ارائه نماید. یکی از پیشنهادهای اصلی کمیسیون، حفظ ۲۵ منطقه و واگذاری مسئولیت‌های اجرایی منطقه به وزیر کشور و وزیر دادگستری بود. وزیر کشور و دادستان کل کشور به لحاظ قانونی مسئولیت پلیس را دارند (کارکرد اختیار) در حالی که در امور روزانه همان طور که مخالفان متوجه شده اند، اولویت‌ها و تصمیمات آنان به شدت از برنامه‌های دولت متأثر می‌گردد. برای دولت فعلی توصیه‌های کمیسیون کفایت نمی‌کند. اولویت دولت سیستم پلیس ملی است که دارای شاخه‌های محلی و منطقه‌ای با استقلال محدود است. مجلس برای تصمیم‌گیری در باره این پیشنهادها باید به انتظار انتخابات آینده در نوامبر سال ۲۰۰۶ باشد.

### تغییر به سوی خدمات پلیسی ترکیبی

این نگرش در اوایل دهه ۹۰ به اعتقادی رایج در سیاست تبدیل گردید که تحمل‌پذیری سنتی هلند به افراط رفته است (Punch et al., 2002, p.64) این نقطه عطف به تدریج

بر نحوه‌ی اجرای سبک پلیس جامعه محور کارکنان اجرایی تأثیر گذاشته است. در ابتدا کتک و تنبیه استفاده می‌شد زیرا پلیس دوست و مهربان، وظیفه اولیه‌اش حفظ ایمنی و امنیت همسایگان بود. آن‌ها مسئولیت‌های اجتماعی خویش را جدی می‌گیرند و به حضور عنصر قوی مراقبت در کار خویش آگاه هستند. به هر حال اعتبار و مشروعیت این نوع روش‌های پلیس انتقاداتی را برانگیخته است. همکاران احساس می‌کنند که افسران تنبیه‌گر گوشه‌گیر هستند و روان پزشکان وظیفه شان را درست انجام نمی‌دهند (Punch et al., 2002, p.65). پلیس هلند تلاش کرده است با معرفی افسران جامعه محور (Punch et al., 2002, pp.67-68) که رهبران خیابان تلقی می‌گردند (Vinzant & Crothers, 1998) و از جایگاه محوری در جامعه و اداره پلیس برخوردار هستند با این اعتراض‌ها مقابله کنند. هدف آنان ایجاد همکاری وسیع‌تر بین پلیس، شهروندان و مؤسسات مختلف از جمله مدارس و مؤسسات اسکان است. کتاب سفید دولت در باره جرم و جامعه تکان اولیه را برای این نوع تغییر ساختاری فراهم آورد. در این کتاب سهم عمومی نهادهای دولتی و غیر دولتی در جلوگیری از جنایت و تأمین امنیت عمومی افزایش یافته است. هشت سال بعد چنین راهبردهای واگذاری مسئولیت تأیید گردید وقتی دولت مفهوم امنیت یکپارچه را افزایش داد. (Ministry of interior, 1993) و بر ارتباط بین دولت محلی و جامعه مدنی تأکید کرد و به این واقعیت اعتراف کرد که چندین سازمان خصوصی در حفظ نظم در جامعه مشارکت دارند (Van Steden & Huberts, 2006, p.17).

در این راستا، ساکنین نواحی کوچک نقش فعالی در تأمین محیط اجتماعی پایدار دارند. این نگرشی جدید است که امنیت موضوعی نیست که صرفاً به پلیس مربوط باشد (Ministry of interior, 1993, p.8). همان طور که کراوفورد<sup>۱</sup> استدلال کرده است:

«در جایی که زمانی انتظار می‌رفت دولت‌ها در پاسخ به مشکلات با اقتدار عمل کنند، اکنون بیشتر شاهد وضعیتی هستیم که همان مشکلات و نیازها دوباره بازگشت نموده‌اند و جوامع با معضل پیچیده حل اینگونه مشکلات روبرو است.»

سیاست مداران به دنبال مفهوم وسیع‌تر خدمات پلیسی هستند که مؤسسات و نهادهای گوناگون کوچک و بزرگ هر یک نقشی را بر عهده دارند. بازیگران مؤسسات خصوصی، عمومی به طور متقابل در شبکه پیچیده حاکمیت نقش دارند (Johnston & Shearing, 2003, p.18) که

1. Crawford, 1999, p. 25

تلاش می‌کنند ظرفیت‌های محلی را برای تأمین امنیت و اعتماد افزایش دهند. جالب‌تر آن که همانند بیشتر کشورهای غربی، صنایع بخش خصوصی هلند به سرعت همانند قارچ از ۱۰ هزار کارمند در ظرف ۲۵ سال به ۳۰ هزار کارمند افزایش یافته است (Van Steden, 2004) در حالی که مجلس هلند بسیار به این تحولات انتقاد داشت کابینه اخیراً اعلام کرد که در شرایط بسیار محدود شهرداری‌ها مجاز هستند برای حفظ نظم در حوزه‌های عمومی از شرکت‌های خصوصی استفاده کنند (Ministry or Interior, 2000b, p.106). نگهبانان خصوصی اکنون در مناطق دیگر از جمله همسایگی‌ها، مرکز شهر، رودخانه‌های محل قایقرانی، در همکاری با پلیس، خدمات پلیسی ارائه می‌کنند.

طبق گفته‌های پونسایرز<sup>۱</sup>، این‌گونه نگرش جدید به پلیس جامعه محور در کنار مؤسسه‌های خصوصی و عمومی به نادیده‌گیری ارزش‌های برابری، برادری و انصاف گرایش دارند. وان سوانینگن<sup>۲</sup> موارد زیر را می‌پذیرد:

با نگرش به تمام شکل‌های جلوگیری از جرم به سبک جدید، انسان به این نتیجه می‌رسد که تمام پروژه‌های اولیه امنیت جامعه مرده و فراموش شده است اما اصلاً موضوع این نیست. شگفت‌انگیز آن است که هیچ‌کس تاکنون نگفته است که این اقدامات اشتباه بوده است و اکنون مسیر دیگری را در پیش گرفته ایم. واژگانی مانند جامعه و همسایگی هنوز در سطح وسیعی در اسناد جدید پلیس استفاده می‌گردد اما اقدامات واقعی در جهت دیگری در حرکت است. پلیس اکنون به جای این که نقشی برای خویش در ساختن جامعه قایل باشد خود را دربان می‌نامند که خیابان را از ارازل و اوباش پاک می‌کنند. ما شاهد گذر از جامعه فراگیر به جامعه محصور هستیم (Young, 1999).

در جای دیگر وان سوانینگن چنین بدگمان نیست زیرا استدلال می‌کند که جلوگیری از جرم و امنیت جامعه پیوند مبارکی است که بین نگرش انحصاری منفی اول با نگرش فراگیر دوم توازن به وجود می‌آورد (Van Swanningen, 2002, p.261) اگر چه توجه بیشتر به نگرانی‌ها و وحشت عمومی در سال‌های اخیر سیاست مداران را وادار کرده است که راهبردهای پیشگیری از جرم را کارآمدتر کنند که اکثراً به طرد منحرفین از جامعه منجر شده است.

1. Ponsarers, 2001, pp. 488-92

2. Van Swanningen, 2005, pp. 296-7

### تغییر به سمت خدمات پلیسی شدیدتر

در بخش پیشین بحث مسئولیت جامعه در کنترل جرم تایید گردید. وظایف جانبی پلیس به شرکت‌های خصوصی امنیت واگذار گردید، تعداد مقامات چند برابر گردید، ائتلاف‌های جدید بوجود آمد و حاکمیت دولت بر سازمان‌های خصوصی واگذار گردید. در ضمن همان طور که پاکس<sup>۱</sup> گزارش کرد اعتبارات وزارت دادگستری با شور و هیجان به ۷۰ میلیون یورو در سال ۲۰۰۳ افزایش یافت و پیش بینی می‌شود در سال ۲۰۰۸ به ۲۰۰ میلیون یورو افزایش یابد در حالی که نیروهای پلیس از ۴۰ هزار نفر به حدود ۵۰ هزار افسر در کمتر از ده سال افزایش یافته است. دولت تا حدی ناشی از جنون جوانی تصور می‌کند که جامعه مسئول دفاع از خودش است و به خط و مشی‌های عدم مداخلات با جرم فرا می‌خواند. سیاست مدارانی که چنین سیاستی را مطرح می‌کنند می‌خواهند به شهروندان القاء کنند که آنان در پناه دولت تنومندی هستند.

صرف نظر از این که سیاست‌های جدید برای جلب توجه توده یا به انگیزه‌های دیگر است، به نظر می‌رسد سیستم پلیس هلند به سمت سرکوب و شدت عمل بیشتر در حرکت است. همان طور که در گزارش ملی دولت که عنوانش به سمت جامعه‌ی سالم‌تر است، مبارزه با جرم، توجه بیشتر به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای عمومی، شایستگی قانونی بیشتر پلیس، مشوق‌های گوناگون برای خدمات رقابتی پلیس و سنجش‌های شدیدتر عملکردی از اولویت بسیار زیادی برخوردار است (Ministry of Justice & Ministry of Interior, 2002) این تغییرات در لحن دولت چه نتایجی بر تحمل‌پذیری و روح پلیس جامعه محور هلند خواهد داشت؟ آیا پلیس واقعاً به ابزار کنترل تغییر یافته است یا استدلال برای نیروی خوش برخورد هنوز معتبر است؟

برای کمک به یافتن پاسخ، پژوهشی بین‌نخبگان پلیس هلند انجام شد که شامل ۲۵ شهردار بزرگترین شهرداری‌ها، ۲۵ رئیس پلیس و ۲۵ دادستان بود (Huberts et al., 2004). همان طور که تاکنون اشاره شده است هیأت مشاوره منطقه‌ای سه جانبه تاکنون قوی‌ترین بازیگران در عرصه تعیین محتوای سازمان، کار و راهبردهای پلیس بوده است. میزان پاسخ‌دهی رضایت بخش بود. ۹ رئیس پلیس منطقه (۳۶ درصد)، ۱۱ شهردار (۴۴ درصد) و ۱۱ دادستان (۴۴ درصد) در این پژوهش شرکت کردند. اولین موضوع اصلی که باید اندازه‌گیری می‌شد آن بود که نخبگان پلیس منطقه تا چه حد با شور و شوق از ویژگی‌های پلیس جامعه محور سنتی و هم چنین از

1. Pakes, 2005

دیدگاه‌های خویش در باره تناسب مبارزه با جنایت به جای روش‌های عاطفی و عملی دفاع می‌کنند.

با استفاده از جدول یک می‌توان مشاهده کرد که پاسخ‌ها به خدمات دوستانه، اجتماعی و عمل‌گرای پلیسی خوشبینانه نبود. تفسیر و برداشت ما این است که مهارت و تعامل (کمک به مردم) نشان‌های ویژه پلیس هلند هستند. با این وجود به هر حال حجم پاسخ دهندگان (۵۸ درصد) نشان می‌دهد که این چیزی است که باید از آن چشم‌پوشی کرد اگر چه اکثریت قاطع شهرداران (۹۱ درصد) که بیش از دیگر شهروندان درجه یک هستند فکر می‌کنند که پلیس جامعه محور و کمک پلیس باید از اولویت متوازن تری برخوردار باشد. درخواست برای اعمال قوانین و مقررات انضباطی شدیدتر بیشتر اعتقاد ما را تایید می‌کند که سیاست‌های دادگاه‌های کیفری بیشتر بحران مدار هستند. تقریباً ۹۰ درصد مصاحبه‌شوندگان مشخصاً با این بیانیه موافق هستند که تلاش برای مقابله با جرم سخت‌تر و شدیدتر شده است و ۶۵ درصد بیان کردند که پلیس باید شدیدتر با جرم برخورد کند. در حقیقت پلیس هلند سیمای آسان‌گیرش را در مقابله با انحراف و بزه عوض کرده است.

جدول شماره (۱): نگرش نخبگان به اولویت‌های پلیس را نشان می‌دهد (نسبت کسانی که موافق هستند یا

بسیار موافق هستند)

موضوع	رؤسای پلیس	شهرداران	دادستان عمومی	درصد کل
بیشتر کمک‌های پلیس در کارهای رفاهی که افسران باید آن‌ها را کنند	۵۶٪	۵۵٪	۶۴٪	۵۸٪
کمک‌های پلیس و پلیس جامعه محور باید از اولویت بیشتری برخوردار باشد	۲۵٪	۹۱٪	۹٪	۴۲٪
مبارزه با جرم خشن‌تر و شدیدتر شده است	۸۹٪	۷۳٪	۱۰۰٪	۸۷٪
من طرفدار برخورد شدیدتر و خشن‌تر با جرم و نا امنی هستم	۸۹٪	۴۶٪	۶۰٪	۶۵٪
خط مشی خشن‌تر و شدیدتر مبارزه با جرم بدلیل افزایش شمار جرم است	۴۴٪	۳۶٪	۶۴٪	۴۸٪
خط مشی خشن‌تر و شدیدتر مبارزه با جرم بدلیل نتایج ناامید کننده اقدامات پیشین است	۶۷٪	۵۵٪	۶۴٪	۶۲٪
خط مشی خشن‌تر و شدیدتر مبارزه با جرم بدلیل افزایش ناامنی عمومی و رسانه‌ای است	۱۰۰٪	۸۲٪	۸۲٪	۸۸٪
امروزه سیاست مداران با دو گزینه انتظارات مردم از امنیت و ناتوانی دولت در حفظ امنیت روبرو هستند	۷۸٪	۸۲٪	۸۲٪	۸۱٪

نتایج پژوهش با مشاهدات و ان سوانینگن درباره گسترش نارضایتی و بی‌نظمی در مورد امنیت ملی (جرم، اقدامات وحشت افکنانه و سیل بیگانگان) هم سو است. تجزیه و تحلیل خطر، افشای اقدامات انضباطی، خصوصی سازی و مسئولیت مشترک حوزه‌های عمومی و خصوصی قانون توجه شده است که همگی تهدیدی هستند که هلند را به کشوری کاملاً سرخورده و بسته تبدیل نمایند. قتل بی‌شرمانه مقاله نویس و فیلم ساز جسور بنام تئو وان کوگ توسط تندروهای مذهبی در ماه نوامبر ۲۰۰۴، نبرد بر علیه اقدامات وحشت افکنانه را در محافل سیاسی و اجتماعی شدیدتر کرد به گونه‌ای که برخی سیاست مداران آن را به جنگی تعبیر کردند که بر علیه کشور آغاز شده است. اکنون قدرت و منابع بیشتری در اختیار سازمان‌های امنیتی، پلیسی و خدماتی قرار داده شده است که چهره امنیت اجتماعی را به طور کامل به سیمای قطبیدگی و انحصار تبدیل می‌کند. وان سوانینگن نیز با ناراحتی چنین نتیجه می‌گیرد (2005, pp. 302-3):

«در حال حاضر منطق کیفی به تمام اقدامات پیشگیری از جنایت سرایت کرده است. اکنون پیشگیری عمدتاً به معنای پیشگیری کنش گرایانه بر اساس سابقه خطر است. تبعید استعاره جدید این خط و مشی امنیت عمومی است و قانون مداری مردم نیروی رانش آن است. محبوبیت سیاست مداران به شدت بیانیه‌های آنان درباره جرم و ناامنی بستگی دارد».

### در ورای لفاظی‌ها

لفاظی سیاست مداران و عوامل عالی رتبه با نگرش منفی مردم نسبت به کارآمدی پلیس هم زمان بوده است. پژوهشی که بین ۹۰ هزار نفر اجراء گردید نشان داد که افسران پلیس با فشار بسیار زیادی روبرو هستند. اگر چه ۵۳ درصد پاسخ دهندگان هنوز از عملکرد کلی پلیس در همسایگی خویش خشنود هستند اما این میزان در ده سال گذشته ۹ درصد کاهش داشته است. مردم شاکی هستند که حضور فیزیکی افسران پلیس کاهش یافته است و پلیس با کمبود نیرو روبرو است (B&A Group & Intomart, 2003). دلایل اصلی افزایش نارضایتی مردم از افسران پلیس اغلب به افزایش چشمگیر جرم در

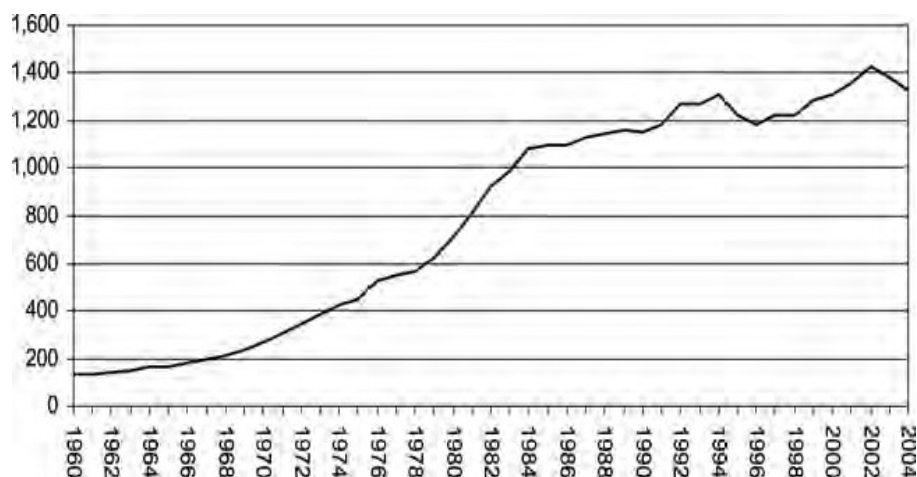
اواسط دهه ۱۹۶۰ در هلند نسبت داده می‌شود. از آن زمان تاکنون، شمار بزه‌های گزارش شده به دلیل تأثیر رفاه اقتصادی شکوفا (Beki et al., 1999) افزایش چشمگیر داشت که از ۱۴۰ هزار مورد در سال ۱۹۶۰ به حدود ۱/۴ میلیون مورد در حال حاضر رسیده است. میزان جنایت در طی ۴۰ سال گذشته ده برابر شده است (در سرشماری رشد جمعیت به شش برابر اصلاح گردید) که به احساس نوعی بحران انجامیده که پیم فورتیون، رهبر حزب سیاسی موسوم به «هلند شایسته زندگی» آن را به مشکلات مهاجرت، پناه جویان ناسازگار، فرهنگ عقب مانده برخی مذاهب و کوتاهی مقامات نسبت داده است (Pakes, 2004, pp. 289-90) فورتیون توانست در مبارزات انتخاباتی کشور احساسات مردم به این برنامه را جلب نماید. اما در مه سال ۲۰۰۲ با بی‌رحمی به قتل رسید. این قتل چنان کشور را عمیقاً متأثر کرد که حزبش پیروز شد و برای مدت کوتاهی در دولت شرکت داشت.

از این گذشته مسایل به آن سادگی نیستند که فورتیون آن را تصور کرده بود. اول از همه میزان جرم، کم و بیش در دو دهه گذشته ثابت مانده است (شکل شماره (۱)) و دوم در آمار مهاجرت بیگانگان به کشور نباید اغراق گردد زیرا تعداد آنان در دهه ۹۰ کاهش یافته است (Van Swaaningen, 2005) و ن دن بریک<sup>۱</sup> پاسخی ارائه می‌کند که از ما می‌خواهد نگاه خویش را متوجه انفجار خشونت جوانان کنیم (از جمله جوانان مراکشی و جزایر آنتیل). وی در پژوهش خویش پیشنهاد می‌کند که شیوه‌های پر شتاب، بزرگ و بهتر زندگی در قلب چنین مارپیچ‌های تهاجمی قرار دارند. این ویژگی به همراه عطش سیری ناپذیر، احترام فخر آمیز و اصول اخلاقی سست، فضای خطر ناک دشمنی را بوجود می‌آورد در حالی که اقتصاد سرگرمی‌های شبانه، غرق در شراب خواری و هرزگی (Hobbs et al., 2005)، به علاوه فضاهای ناشناخته شهری (Lofland, 1973) تمایل دارند که وضعیت را بدتر کنند. جوامع فردگرا همان طور که بوتلیر<sup>۲</sup> آن را به زیبایی ترسیم می‌کند به رفتارهای انحرافی بسیار حساس است.

1. Van den Brink, 2002, p. 7

2. Boutellier, 2004, p. 2





شکل شماره (۱): میزان جرایم ثبت شده (X 1000) ۱۹۶۰-۲۰۰۴ منبع: Dutch Census

او در این باره چنین می‌گوید که فرهنگ آزادی که خود شکوفایی را به هنر واقعی زندگی ارتقاء می‌دهد و باید هم چنین تمام سعی خویش را به کار گیرد که محدودیت‌های آزادی فردی را بیان و در حفظ آن کوشا باشد. جامعه زنده نیاز فراوان به امنیت را بوجود می‌آورد و لذا با تناقض گریز ناپذیری روبرو می‌شود: اگر آزادی بی‌قید و شرط ستوده شود، حد و مرزهای آن نیز باید مشخص گردد.

مشاهدات بوتلیر کاملاً مطابق با جامعه آسیب پذیری است که اساساً جامعه شناس آلمانی اولریش بک<sup>۱</sup> آن را ترسیم کرده بود. در آن جامعه خوشبختی بی‌سابقه با شکنندگی ژرف همگام است (با به شکل جرم، اقدامات وحشت افکنانه، مهاجرت یا خطرات دیگر). وی می‌گوید همه به دنبال پشتیبان و پناهگاه هستند. احساس ناامنی و بی‌ثباتی در جوامع مدرن پیشین فراگیر شده است. چنین تصور می‌شود که پلیس هلند آمادگی کامل ندارد که با این نگرانی‌ها و اضطراب‌ها مقابله نماید. نه این که مسئولیت بیش از حد به پلیس واگذار شده است بلکه باید به منابع اندک پلیس توجه شود. پژوهشی در چهار حوزه مشابه نشان می‌دهد که در حدود ۴۵ درصد کل ظرفیت پلیس به امور مدیریت و کار اداری، ۱۰ درصد به پژوهش‌های جنایی، ۳۰ درصد به

1. Ulrich Beck, 1992, 2000

پلیس جامعه محور، ۷ درصد به پشتیبانی عملیاتی، ۷ درصد به تماس‌های اضطراری، ۱ درصد به کارهای دیگر سپری می‌گردد (Algemene Rekenkamer, 2003) مقوله مدیریت و کاراداری بخش عظیمی از ظرفیت‌های پلیس را به خود اختصاص می‌دهد (جدول شماره ۲). این موضوع باید با ظرافت بررسی گردد زیرا غیبت به دلیل مثلاً بیماری و آموزش نیز در این مقوله قرار دارد.

جدول ۲- تخصیص منابع پلیس در سال ۲۰۰۱<sup>۱</sup>

مقوله	نیروی اول	نیروی دوم	نیروی سوم	نیروی چهارم
مدیریت و کار اداری a	۴۳	۵۱	۴۸	۴۵
پژوهش‌های جنایی	۹	۱۲	۱۰	۱۰
پلیس جامعه محور	۳۹	۳۱	۲۷	۲۴
پشتیبانی عملیاتی	۶	۵	۸	۱۰
تماس‌های اضطراری	۳	**	۷	۱۰
کارهای دیگر	*	۱	*	۱

با این وجود می‌توان حدس زد که افسران زمان زیادی را به گزارش نویسی، خدمات پلیسی، ارتباط، پشتیبانی و جلسه سپری می‌کنند. سیستم پلیس هلند تا حد بسیار زیادی تشریفاتی است. همان‌طور که مانینگ<sup>۲</sup> مشاهده کرده سرگذشت پلیس بدون شک ناشی از وظیفه‌ی ناممکن‌اش است. افسران پلیس باید کارکردهای اولیه کنترل را در جامعه انجام دهند اما بین انتظارات بسیار زیاد مردم و ظرفیت واقعی آنان تنش وجود دارد. پلیس نمی‌تواند به طور کامل اطمینان آفرین باشد.

تمام این موارد، شهرداران، رؤسای پلیس و دادستان را با مشکل پیچیده‌ای روبرو کرده است. آنان متوجه شدند که شهروندان و رسانه جمعی بیش از آن چه امکان ارائه وجود دارد خواستار امنیت هستند اما راه‌گیزی از آن وجود ندارد. اما این حالت ناگوار (تاکید اضافه شده است) دولت مردان امروز را گارلند<sup>۳</sup> چنین تفسیر می‌کند:

۱. توجه: این اعداد شامل غیبت افسران پلیس به دلیل مثلاً بیماری، آموزش یا کار در خارج از حوزه ماموریت است: \* کمتر از ۰.۵٪ است، \*\* تماس‌های اضطراری در مقوله‌های دیگر نیز قرار دارد.

2. Manning, 1977, p. 15

3. Garland, 2001, p. 110

«آیا موضوع آن است که آنان باید از این ادعا صرف نظر کنند که آنان اولین تأمین کننده اصلی امنیت و کنترل جنایت در جامعه هستند در حالی که آنان می‌دانند که چنین اعترافی هزینه‌های سنگین سیاسی برابر با فاجعه در پی دارد.»

در نتیجه دولت مردان در مورد بهترین روش بسیار دو دل و نامطمئن هستند. سیاست مداران پیوسته روش‌های آزموده را به کار می‌گیرند و مسئولیت را متوجه طرح‌های کشوری و بازار آزاد می‌کنند.

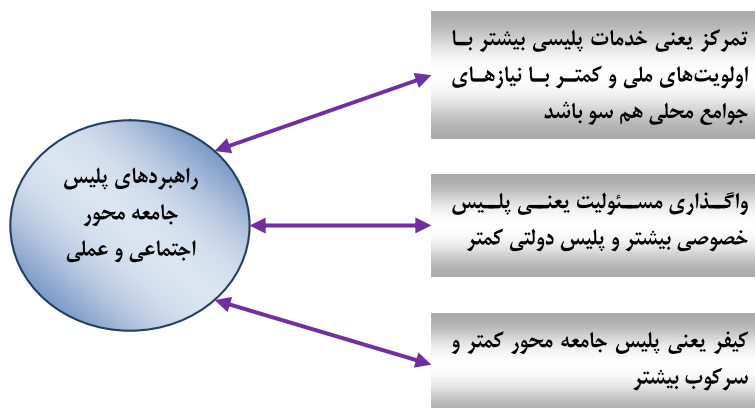
هنوز اماها و اگرهایی در مورد ترفندهای امنیتی که به سیستم یکپارچه پلیس منتهی می‌گردد وجود دارد. بیشتر رؤسای پلیس، دادستان‌ها و شهرداران تصور می‌کنند که مباحث جدید درباره تمرکز پلیس هلند، گریز ناپذیر است (۴۸ درصد احتمال بسیار می‌دهند). به علاوه ۴۵ درصد پاسخ دهندگان طرفدار واحدهای مبارزه با جرم در سطح ملی هستند در حالی که ۷۸ درصد رؤسای پلیس، ۸۲ درصد شهرداران و ۵۵ درصد دادستان‌ها ادعا می‌کنند که نیروی یکپارچه در سطح ملی طرح مناسبی نمی‌باشد (Huberts et al., 2004) باید توجه کرد که نخبگان پلیس در هلند در سطح ملی و در سطح محلی فعالیت می‌کنند. در ضمن پایه‌های قدرت طرفداران سیستم یکپارچه پلیس در جای دیگری قرار دارد. این پایگاه‌های قدرت در وزارتخانه‌ها و مجلس قرار دارد. رهبران سیاسی نیز از جمله این گروه‌ها هستند که مطبوعات با چانه زنی‌های غیر رسمی و انتخابات آینده بر آنان فشار می‌آورند و آنان را وادار می‌کنند که به ضرر اعضای هیأت‌های منطقه‌ای، پلیس را در کنترل داشته باشند.

### سخنان پایانی

هلند زمانی به داشتن پلیس جامعه محور تحمل پذیر، شهرت داشت اما اکنون به نظر می‌رسد به سمت کشوری دفاعی و طرفدار مجازات در حرکت است. این دگرگونی چه پیامدهایی برای روح حاکم بر پلیس هلند در پی خواهد داشت؟ پیش بینی آینده همیشه هشدارهایی را در پی دارد. دانشگاهی‌ها همیشه بهتر می‌دانند اما گذشته نگر هستند. به هر حال بدون شک خدمات پلیسی فرآورده اولویت‌های سیاسی، ضرورت‌های جاری و هم چنین

ارزش‌های قراردادی دوران خاص است (Das, 1994). هلند به طور سنتی باروشن‌فکری و تساهل به مقوله انحراف می‌نگریسته که فضای کیفی جامعه را شکل داده است. به هر حال با کمال تاسف زمانه عوض شده است. جنایت، اقدامات وحشت افکنانه و وحشت عمومی، افسران پیشگام را در وضعیت متناقض با آرمان‌های آزادی خواهی و موضوعات داغ امنیتی گرفتار کرده است. این دوگانگی گرایش به تمرکز، کیفر و واگذاری مسئولیت را در پی داشته است که در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

اگر چه حرکت آهسته به سوی سیستم متمرکز پلیس به خودی خود سرکوب گرانه و غیر دوستانه نیست اما ترکیب آن با مجازات در سطح ملی و واگذاری مسئولیت در سطح محلی شاید تأثیر گذارتر باشد.



شکل شماره (۲): تحولات در پلیس هلند

در هلند خط و مشی‌های کیفی عمومی در سطح ملی را وزارت کشور و دادگستری صادر می‌کنند در حالی که خدمات مردمی و اجتماعی پلیس در سطوح محلی و منطقه‌ای تصمیم‌گیری می‌شود. سیاسی شدن مسایل ایمنی و امنیتی (Van Swaaningen, 2005, p.293) شاید تفکراتی را آشکار کند که کمتر به مبنای اجتماعی خدمات پلیس توجه دارند. برای کارآیی بیشتر در برخورد با جرم و اقدامات وحشت افکنانه، یک نوع الگوی سلسله مراتب

فرماندهی و کنترل بوجود آمده که جهت گیری آن دفاع از امنیت ملی و فاصله بیشتر بین مردم و پلیس است (Ponsaers, 2001, pp. 473-6). یعنی استمرار خدمات پلیسی عمل‌گرا، اجتماعی و دوستانه با فشارهایی که از سوی اقدامات متمرکز و کیفری روبرو است در حالی که در سطح محلی نیروی پلیس در حفظ امنیت و ایمنی با دیگران در مسئولیت شریک هستند، پیش بینی دقیق پیامدهای دیگر تحولات بر فرهنگ و سازمان پلیس دشوار است. اما احتمال آن بسیار است که در سال‌های آینده روح حاکم بر پلیس هلند را پیوسته ضعیف‌تر کند.

### منابع:

- *Algemene Rekenkamer (2003), Zicht Op Taakuitvoering Politie. Sdu Uitgevers, Den Haag, Tweede Kamer vergaderjaar 2002/2003 28791, nrs. 1-2.*
- *Andeweg, R. B. and Irwin, G. A. (2002), Governance and Politics of The Netherlands. Palgrave Macmillan, Hampshire.*
- *B&A Groep and Intomart (2003), Politie-monitor 2003. Landelijke rapportage, Hilversum, Den Haag.*
- *Bayley, D. H. (1994), Police for the Future. Oxford University Press, Oxford.*
- *Beck, U. (1992), Risk Society. Towards a New Modernity, Sage, London.*
- *Beck, U. (2000), Risk Society Revisited: Theory, Politics and Research Programs. in Adam, B., Beck, U. and Van Loon, J. (Eds), The Risk Society and Beyond: Critical Issues for Social Theory, Sage, London.*
- *Beki, C., Zeelenberg, K. and Van Montfort, K. (1999), An Analysis of the Crime Rate in The Netherlands 1950-93. British Journal of Criminology, Vol. 39 No. 3, pp. 401-15.*
- *Bitner, E. (1990), Aspects of Police Work. North-eastern University Press, Boston, MA.*
- *Blom, J. C. H. (2000), Pillarization in Perspective. West European Politics, Vol. 23 No. 3, pp. 153-64.*
- *Boutellier, H. (2004), The Safety Utopia. Contemporary Discontent and Desire as to Crime and Punishment. Kluwer Academic Publishers, Dordrecht.*
- *Crawford, A. (1999), The Local Governance of Crime: Appeals to Community and Partnerships. Oxford University Press, Oxford.*
- *Das, D. K. (1994), Police Practices. Scarecrow Press, Lanham, MD.*
- *Downes, D. (1988), Contrast in Tolerance: Post-War Penal Policy in The Netherlands and England and Wales. Clarendon Press, Oxford.*
- *Garland, D. (2001), Culture of Control: Crime and Social Order in Contemporary Society. Oxford University Press, Oxford.*
- *Hobbs, D., Hadfield, P., Lister, S. and Winlow, S. (2005), Bouncers: Violence and Governance in the Night-Time Economy. Oxford University Press, Oxford.*
- *Huberts, L. W. J. C. (1997), Blinde vlekken in de politiepraktijk en de politiewetenschap, Gouda Quint, Arnhem.*
- *Huberts, L. W. J. C. and Naeye', J. (2005), Integriteit Van de Politie. Wat we weten op basis van Nederlands onderzoek, Kerckebosch, Zeist.*

- Huberts, L. W. J. C., Verberk, S., Lasthuizen, K. and Van den Heuvel, J. H. J. (2004), **Paradoxaal Politiebestel**. Kerckebosch, Zeist.
- Johnston, L. (2003), **From 'Pluralisation' to the 'Police Extended Family'. Discourses on the Governance of Community Policing in Britain**. *International Journal of the Sociology of Law*, Vol. 31 No. 3, pp. 185-204.
- Johnston, L. and Shearing, C. D. (2003), **Governing Security: Explorations in Policing and Justice**. Routledge, London.
- Jones, T. (1995), **Policing and Democracy in The Netherlands**. *Police Studies Institute*, London.
- Leemhuis-Stout, J. M. (2004), **Lokaal Verankerd, Nationaal Versterkt (Stuurgroep Evaluatie Politieorganisatie)**. Utrecht (available at: [www.politiebestel.nl](http://www.politiebestel.nl)).
- Lijphart, A. (1968), **The Politics of Accommodation: Pluralism and Democracy in The Netherlands**. University of California Press, Berkeley, CA.
- Lipsky, M. (1980), **Street-Level Bureaucracy: Dilemmas of the Individual in Public Services**. Russell Sage Foundation, New York, NY.
- Lofland, L. H. (1973), **A World of Strangers: Order and Action in Public Space**. Basic Books, New York, NY.
- Manning, p.K. (1977), **Police Work. The Social Organization of Policing**. MIT Press, Cambridge, MA.
- Ministry of Justice and Ministry of the Interior (2002), **Naar Een Veiliger Samenleving**. Ministry of Justice and Ministry of the Interior, Den Haag.
- Ministry of the Interior (1993), **Integrale Veiligheidsrapportage 1993**. Ministry of the Interior, Den Haag.
- Ministry of the Interior (2000a), **Policing in The Netherlands**. Ministry of the Interior, Den Haag, available at: [www.politie.nl](http://www.politie.nl).
- Ministry of the Interior (2000b), **Integrale Veiligheidsrapportage 2000. Over aspecten van veiligheid**, Ministry of the Interior, Den Haag.
- Muller, E. (2002), **Policing and Accountability in The Netherlands: A Happy Marriage or a Stressful Relationship?**. *Policing and Society*, Vol. 12 No. 4, pp. 249-58.
- Pakes, F. (2004), **The Politics of Discontent: the Emergence of a New Criminal Justice Discourse in The Netherlands**. *The Howard Journal*, Vol. 43 No. 3, pp. 284-98.
- Pakes, F. (2005), **Penalization and Retreat: the Changing Face of Dutch Criminal Justice**. *Criminal Justice*, Vol. 5 No. 2, pp. 145-61.

- Ponsaers, p.(2001), **Reading About 'Community (Oriented) Policing' and Police Models.** *Policing, Vol. 24 No. 4, pp. 470-96.*
- POS (1977), **Politie in Verandering.** Staatsdrukkerij, Den Haag.
- Punch, M. (1985), **Conduct Unbecoming: The Social Construction of Police Deviance and Control.** Tavistock, London.
- Punch, M., Van der Vijver, K. and Zoomer, O. (2002), **Dutch 'COP'. Developing Community-Policing in The Netherlands.** *Policing, Vol. 25 No. 1, pp. 60-79.*
- Reiner, R. (1997), **Policing and the Police.** in Maguire, M., Morgan, R. and Reiner, R. (Eds), *The Oxford Handbook of Criminology, 2nd ed., Clarendon Press, Oxford, pp. 997-1049.*
- Tweede Kamer (1985), **Samenleving En Criminaliteit. Een beleidsplan voor de komende jaren,** Tweede Kamer, Den Haag, vergaderjaar 1984/1985, 18995, nrs. 1-2.
- Van den Brink, G. (2002), **Geweld als Uitdaging. De betekenis van agressief gedrag bij jongeren,** NIWZ, Utrecht.
- Van der Torre, E. J. (1999), **Politiewerk: Politiestijlen.** community policing, professionalisme, Samsom, Alphen aan den Rijn.
- Van Steden, R. (2004), **Particuliere Beveiliging in Nederland: Een Branche. Een Branche in Beweging,** VPB, Gorinchem, pp. 11-26.
- Van Steden, R. and Huberts, L. (2006), **The Netherlands.** in Jones, T. and Newburn, T. (Eds), *Plural Policing: A Comparative Perspective, Routledge, London, pp. 12-33.*
- Van Swaaningen, R. (2002), **Towards a Replacement Discourse on Community Safety. Lessons from The Netherlands.** in Hughes, G., McLaughlin, E. and Muncie, J. (Eds), *Crime Prevention and Community Safety: New Directions, Sage, London, pp. 260-78.*
- Van Swaaningen, R. (2005), **Public Safety and the Management of Fear.** *Theoretical Criminology, Vol. 9 No. 3, pp. 289-305.*
- Vinzant, J. C. and Crothers, L. (1998), **Street-Level Leadership. Discretion and Legitimacy in Front-Line Public Service,** Georgetown University Press, Washington DC.
- Wintle, M. (1996), **Policing the Liberal State in The Netherlands: the Historical Context of the Current Reorganization of the Dutch Police.** *Policing and Society, Vol. 6 No. 3, pp. 181-97.*
- Young, J. (1999), **The Exclusive Society.** Sage, London. .



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.